

هدف کلی : آشنایی با تحولات نظام جهانی

اهداف جزئی : کشور - تحولات اقتصادی و سیاسی - افول دولت ملتها و جهانی شدن - امپراتوری رسانه - علم و فرهنگ .

مفاهیم اساسی : کشور - عملکرد اقتصادی کشورهای غربی - ویژگی های اقتصادی کشورهای مستعمره - اقتصاد تک محصولی - اقتصاد جهانی - مبادلات تجاری نامتعادل - صنایع وابسته - چرخه نامتعادل جهانی توزیع ثروت - تخته قاپو - انقلاب سفید - دولت ملت - ناسیونالیستی - جهانی شدن - اقتصاد سرمایه محور - شرکتهای چند ملیتی - بازارهای مشترک منطقه ای - شرکت های بین المللی - نهادهای بین المللی اقتصادی - تجارت و تولید بین المللی - جهانی سازی اقتصادی - جنبش عدم تعهد - اتحادیه عرب - سازمان کنفرانس اسلامی - ناتوی شرق - اشاعه فرهنگ - مبادله فرهنگی - خودباختگی فرهنگی - صنعت ارتباطات - امپراتوری رسانه - استقلال فرهنگی - کانون های صهیونیستی - ارزش های دموکراتیک - سازوکارهای دموکراسی - دانش های راهبردی - علوم انسانی غربی انحصار فناورانه - بازارهای مالی جهانی - انحصار منابع طبیعی - انحصار سلاح های کشتار جمعی - انحصار ارتباطی و رسانه ای .

معانی لغات درس :

لغت	معنی	لغت	معنی	لغت	معنی
بازخوانی	مرور کردن	کلان	بزرگ - عظیم	غول رسانه ای	*
چارچوب	بدنه - قلمرو	تک محصولی	تولید یک محصول	چانه زنی	تخفیف گرفتن
نامتعادل	نامتوازن	اقتضا	نیاز - ضرورت	تعديل	معتدل - مساوی
تخته قاپو	*	انقلاب سفید	*	افول	نابودی
حاکمیت های پیشین	حاکمیت های گذشته	ناسیونالیستی	آفریدن و به وجود آوردن	فتوحات	پیروزی
کاوش	جستجو	فرقه	غیر مادی	صدر اسلام	سر آغاز اسلام
مخدوش	خدشه دار شدن	شرکت های چند ملیتی	ارتباط	بازار مشترک منطقه ای	
فرایند	جریان	نظمی نوین	*	جنبش عدم تعهد	
اتحادیه عرب	*	سازمان کنفرانس اسلامی	*	ناتوی شرق	*
اشاعه فرهنگ	*	ناظران	حاضران	دموکراتیک	وابسته به حکومت ملی
منتقدان	مخالفان	سازوکار	*	راهبردی	استراتژی
تثبیت	اثبات	مرجعیت	مرجع بودن	بازنگری	بررسی بازبینی
انحصار	منحصر محدود بودن				

* **غول رسانه ای :** روپرت مرداک یهودی سرمایه دار اصلی سهام دار اصلی شرکت ابرچند ملیتی رسانه گروهی آمریکایی است . و متمرکز بر روزنامه ها و انتشارات است .

* **تخته قاپو :** اصطلاحی است که در زبان ترکی آذربایجانی به مفهوم دروازه چوبی است . اما در دوران پهلوی اول به اسکان عشایر کوچرو که مایل به یکجانشینی می شدند اطلاق می شد . (منبع وکی پدیا)

* **انقلاب سفید :** یا انقلاب شاه و مردم نام یک سلسله تغییرات اقتصادی و اجتماعی شامل اصول نوزده گانه است که در دوره ی پادشاهی محمد رضا شاه پهلوی و با یاری نخست وزیران وقت علی امینی ، اسداله علم ، حسنعلی منصور و امیر عباس هویدا در ایران به تحقق پیوست . انقلاب سفید در مرحله نخست ، پیشنهادی شامل شش اصل بود که محمد رضا شاه در کنگره ملی کشاورزان در تهران در تاریخ ۲۱

دی ۱۳۴۱ خبر اصلاحات و همه پرسی را برای پذیرش یا رد آن به کشاورزان و عموم مردم ارائه داد. پس از آن در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۴۱ عموم مردم نیز در یک همه پرسی سراسری، به اصلاحات رای مثبت دادند. شاه این اصلاحات را انقلاب سفید نامید زیرا انقلابی مسالمت آمیز و بدون خونریزی بود.

* **اتحادیه عرب:** یک سازمان بین المللی منطقه ای شامل کشورهای عمدتاً عربی جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا است.

* **نظم نوین:** پیدایش حکومتی تمامیت خواه برای سلطه بر همه جهان گفته می شود.

* **سازمان کنفرانس اسلامی:** دومین سازمان بین دولتی است پس از سازمان ملل متحد است که با عضویت ۵۷ کشور به گسترش بیش از چهار قاره است. سازمان صدای جمعی جهان اسلام است و تضمین برای حفاظت و حمایت از منافع جهان اسلام در روح ترویج صلح بین المللی و هماهنگی میان افراد مختلف جهان است.

* **ناگوی شرق:** سازمانی میان دولتی که برای همکاری چند جانبه امنیتی، اقتصادی و فرهنگی تشکیل شده است.

* **اشاعه فرهنگی:** سرایت عناصر فرهنگی یک جامعه به جامعه دیگر به صورت طبیعی و در گذر زمان است.

* **سازوکار:** شیوه هایی که یک مجموعه بر اساس آن کار می کند.

..... صفحه ۶۴ مقدمه :

● **کشور و اجزای آن:** امروزه شیوه غالب زندگی اجتماعی انسانها زندگی در واحدهای اجتماعی است به نام کشور. کشور دارای سه جزء سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.

● پدیده هایی مثل: کارخانه، بانک، اشتغال، تورم، ثروت و (بعد اقتصادی کشور است) پدیده هایی مثل: دولت، مجلس، دادگاه، پلیس، نیروهای مسلح، انتخابات و (بعد سیاسی کشور است) پدیده هایی مثل: معرفت، هنر، دانشگاه، رسانه، ادبیات و (بعد فرهنگی کشور است).

● **تفسیر جدول صفحه ۶۵:** ساختمان مرکزی و مدیریت تمامی بیست و یک گول رسانه ای جهان، در کشورهای صنعتی، به ویژه آمریکا قرار دارند. امپراتوری های رسانه ای مثل: تایم وارنر، دیسنی و یاکوم، آمریکایی اند. از دیگر شرکت های رسانه ای بزرگ می توان به شرکت ژاپنی سونی و گروه آلمانی برتلسمان اشاره کرد.

..... صفحه ۶۵ و ۶۶ تحولات اقتصادی - سیاسی

● عملکرد اقتصادی کشورهای غربی در چارچوب **دولت ملتهای جدید** شکل گرفت.

● قدرت سیاسی این دولتها با **منافع اقتصادی صاحبان ثروت، صنعت و تجارت** پیوند داشت.

● رقابت سیاسی دولتهای استعمارگر در مناطق استعمارزده با **منافع اقتصادی** استعمارگران پیوند داشت.

● کشورهای استعمارگر ابتدا **اقتصاد** کشورهای استعمار زده را دگرگون ساختند.

● **پیش از استعمار** اقتصاد کشورهای استعمار زده **مستقل** بودند و رابطه تجاری نیز در حدی نبود که استقلال سیاسی این کشورها را به اخطر اندازد.

● اما در دوران **استعمار** اقتصاد کشورهای استعمارزده برای **تامین نیازهای اقتصادی کشورهای استعمارگر** به تدریج تغییر یافت و دارای **ویژگی های خاصی** شد که در ادامه درس به هفت ویژگی می پردازیم.

- ① اقتصاد کشورهای استعمارزده به **بازار مصرف** کشورهای استعمارگر تبدیل شد (**مصرف کننده کالاهای مصرفی جوامع غربی**)
- ② کشورهای استعمارزده **نیروی کار - مواد خام** (نفت و گاز و...) مورد نیاز جوامع غربی را تامین می کنند .
- ③ اقتصاد جوامع استعمارزده که تحت نفوذ جوامع غربی است **تک محصولی** شد (یعنی به تولید یک محصول می پردازد) مثال : ایران به تک محصولی نفت مشهور است ، برزیل به تک محصولی قهوه ، پاکستان به تک محصولی برنج ، هند به تک محصولی چای و.....
- ④ **تک محصولی** شدن اقتصاد جوامع استعمارزده باعث شد که آنها **قدرت چانه زنی** در اقتصاد جهانی را از دست بدهند (قیمت محصولات آنها توسط جوامع غربی تعیین می شود) این پدیده باعث **وابستگی** آنها به جوامع غربی یا استعمارگر شده است .
- ⑤ به دلیل وابستگی اقتصاد جوامع استعمارزده به جوامع غربی یا استعمارگر **مبادلات** در سطح جهانی **نابرابر** یا **نامتعادل** شده و هم چنان ثروت به طرف کشورهای غربی یا استعمارگر انتقال می یابد .
- ⑥ به غیر از اینکه جوامع غربی جوامع استعمارزده را **بازار مصرف** خود کرده اند (مصرف کننده کالاهای خود) برخی **صنایع وابسته** نیز به کشورهای استعمارزده منتقل کرده اند نه به جهت اینکه آنها را به استقلال برسانند و نه به منزله تعدیل ثروت (توزیع عادلانه ثروت) بلکه به این منظور که کشورهای استعمارگر به **منافع بیشتری** برسند . بدین ترتیب با وجود رشد و تحول و توسعه **ظاهری** جوامع استعمارزده اما هم چنان وابستگی و فاصله بین کشورهای استعمارزده و استعمارگر برقرار و حفظ شده است . یعنی همچنان جوامع غربی در **مرکز** و جوامع غیرغربی **پیرامون** و در خدمت جوامع غربی و وابسته به آنها هستند .
- ⑦ وابستگی کشورهای استعمارزده به جوامع استعمارگر امکان عبور از **مرحله استعمار به استعمار نو** را برای کشورهای استعمارگر فراهم شد . زیرا زمانی که کشورهای استعمارگر با **مقاومت های سیاسی** و **نهضت های آزادیبخش** جوامع استعمارزده در **قرن ۲۰** مواجه شدند به ناچار **استقلال سیاسی و اقتصادی** آنها را به رسمیت شناختند اما هنوز اقتصاد وابسته ی دولتهای مستقل جوامع غیر غربی یا استعمارزده در چرخه **نامتعادل توزیع ثروت** هستند .

..... صفحه ۶۷

تحقیق کنید

۱- اقتصاد ایران تا دوران قاجار بر مدار کشاورزی قرار داشت تخته قاپو کردن ایلات در دوره رضا خان و انقلاب سفید در دوره محمد رضا شاه پهلوی بر دامداری و کشاورزی ایران چه تاثیراتی داشتند ؟

جواب :

یکجا نشینی باعث کاهش محصولات دامی و کاهش توان رزمی آنها شد - انقلاب سفید باعث قطعه قطعه شدن زمین های زراعی شد و مهاجرت روستائیان به شهرها را افزایش داد و محصولات کشاورزی کاهش یافت

۲- نقش صادرات نفت در تک محصولی شدن اقتصاد ایران چیست ؟

جواب :

قدرت چانه زنی اقتصاد ایران در سطح جهان کاهش داد - میزان درآمد به بازار جهانی وابسته شد و به دنبال آن برای تامین اکثر نیازهای اساسی خود به سایر کشورها وابسته شد .

..... صفحه ۶۷ تا ۶۹

● دولت ملتها حاکمیت های سیاسی و اقتصادی جدیدی بودند که نخستین بار در **اروپای غربی** با افول قدرت کلیسا به وجود آمدند. آنها بر خلاف حاکمیت های پیشین خود را با هویت دینی و معنوی معرفی نکردند. بلکه با هویتی **قومی و سکولار** یا قومی و ناسیونالیستی (**ملی گرایی - خود را در ابعاد تاریخی و جغرافیایی و قومی و نژادی**) می شناختند و معرفی می کردند. آنها به صورت **قدرتهای استعماری** در آمدند و به دنبال آن فتوحات استعماری که در کشورهایی مثل ایران، چین و امپراتوری عثمانی و که داشتند جغرافیای سیاسی جدیدی در مناطقی که در آن نفوذ داشتند برای دیگر فرهنگها به وجود آوردند. و برای هریک از این مناطق تحت نفوذ (ایران - چین - امپراتوری عثمانی و) هویت جدیدی ساختند و آنها را به آنها نیز هویت **دولت ملت جدید و سکولار** دادند.

● به طور مثال امپراتوری عثمانی پس از تجزیه توسط دولتهای استعماری هر بخشی از آن دولت ملت جدید با هویت سکولار معرفی شد.

اصول و فرایند جهانی شدن :

● ۱- اقتصاد سرمایه محور در حرکت های آغازین خود مورد حمایت سیاست های قومی و منطقه ای بود (ارتباط متقابل بین دولتها و بازرگانان) ولی به تدریج **انباشت ثروت**، به وجود آمدن شرکتهای چندملیتی (شرکتهایی که متعلق به چند ملت است) و گسترش **صنعت ارتباطات** (شبکه های اینترنتی) از اهمیت مرزهای سیاسی کاست.

● ۲- با شکل گیری نهادهای بین المللی (بانک جهانی - صندوق بین المللی پول و...) و **بازارهای مشترک منطقه ای** سرمایه داری شرکتهای بین المللی در منطقه ای خاص محدود نمی شود. آنها با استفاده از **شبکه های عظیم اطلاعاتی** (شبکه های اینترنتی) هر نوع تغییرات اقتصادی در سطح جهان شناسایی و مدیریت می کنند.

● 3- کانون های ثروت و قدرت (مثل آمریکا و صهیونیسم بین الملل) برای حفظ منافع خود از طریق سازمان های بین المللی (سازمان ملل و بانک جهانی) موانع موجود بر سر راه تجارت بین الملل را برمی دارند و استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف به ویژه کشورهای ضعیف را از بین می برند.

● **پدیده جهانی شدن**: فرایندی است که هیچ اعتنایی به مرز ملی ندارد و در صدد یک **نظم نوین جهانی** است که دو جریان نیرومند **تجارت و تولید بین الملل** آن را پیش می برد.

● دیدگاه مخالف جهانی شدن: در حال حاضر **بعد اقتصادی و سیاسی** جهانی شدن به گونه ای نیست که نظم نوینی را در جهان به وجود آورد و **چالش ها و تضادهایی** را به وجود آورده است (یعنی جهان را به دو بخش مرکز و پیرامون تقسیم کرده است) برای مقابله با این چالش ها برخی **جنبش ها و پیمان ها** مثل **سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی** و شکل گرفته است که **فراملی اند** یعنی فراتر از مرزهای سیاسی دولتها عمل می کنند و علی رغم اینکه بر افکار عمومی جهان اثر گذاشتند و باعث خودباوری در دولتها شده اند. اما چون از ضمانت اجرایی برخوردار نیستند و حتی برخی از آنها از جوامع مرکز تبعیت می کنند نتوانستند چالش و تضادهای جهانی را حل کنند.

مطالعه کنید

..... صفحه ۶۹

برای مقاومت در برابر سیاست جهانی سازی اقتصادی قدرتهای برتر اروپایی و آمریکایی، پیمان هایی از قبیل جنبش عدم تعهد، اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و بین دولتها شکل گرفته است. در باره این پیمان ها و ضعف ها و قوت های آنها مطالعه کنید.

جواب :

نقاط ضعف : ضمانت اجرایی کافی ندارد - برخی از سازمانها از جوامع مرکز پیروی می کنند .

نقاط قوت : تاثیرگذاری بر افکار عمومی جهان - ایجاد خودباوری دولتها .

امپراتوری رسانه ، علم و فرهنگ صفحه ۶۹

● **رابطه فرهنگی در گذشته و دوران استعمار :** در گذشته کشورها از طریق **جنگ - تجارت - مهاجرت** با هم برخورد داشتند و اشاعه فرهنگی ، مبادله فرهنگی و انتقال فرهنگی به همین صورت انجام می شد . اما زمانی که جوامع غیر غربی با دولتهای استعماری برخورد کردند و خود را از لحاظ سیاسی و اقتصادی ضعیف دیدند مرعوب ، مقهور و شیفته برتری های سیاسی و اقتصادی آنها شدند (**خودباختگی فرهنگی**) و حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عنصر فرهنگی از دست دادند و از آنها **تقلید** کردند . در چنین شرایطی جوامع غیر غربی مدیریت خود را در انتخاب عناصر فرهنگ غرب از دست دادند و غرب مدیریت انتقال فرهنگ خود را در چارچوب اهداف سیاسی و اقتصادی در دست گرفت (**یعنی جوامع غیر غربی با سلطه فرهنگی از سوی غرب مواجه شدند**) .

● **رسانه : صنعت ارتباطات** ابزار مناسب و جدیدی بود که غرب را در این مدیریت یاری کرد . صنعت ارتباطات فاصله زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک کرده است (**دهکده جهانی**) همانطور که در دهکده همه یکدیگر را می شناسند و اگر اتفاقی رخ دهد همه باخبر می شوند در جهان نیز به همین صورت است اگر در گوشه ای از جهان اتفاقی رخ دهد خبر آن اتفاق در کل جهان منتشر می شود .

● **امپراتوری رسانه ای :** در اختیار گرفتن قدرت رسانه ای و شبکه های اینترنتی در دست صاحبان قدرت و ثروت که در راس آنها آمریکا و صهیونیسم بین الملل است .

● **کشورهایی در برابر امپراتوری رسانه ای و فرهنگی آسیب پذیرند :** کشورهای کمتر توسعه یافته چون منابع و امکانات لازم را برای حفظ استقلال فرهنگی خود ندارند .

● **تجمع قدرت رسانه ای در دست صاحبان ثروت و کانون های صهیونیستی** نه تنها **فرهنگ** جوامع غیر غربی را متزلزل ساخت بلکه **ارزش های دموکراتیک غرب** نیز تضعیف نموده است یا اینکه غرب آشکارا با در دست داشتن رسانه ها آشکارا بر خلاف ارزش های دموکراسی عمل می کند (به طور مثال اگر از دموکراسی ، آزادی ، حفاظت از حقوق بشر و.... سخن می گوید اما با کشتارهایی که در جوامع ضعیف مثل عراق ، لبنان و... انجام می دهد آشکارا بر خلاف ارزش های دموکراسی عمل کرده است .

● بسیاری از **منتقدان** نگران این هستند که تمرکز قدرت رسانه در دست چند شرکت یا چند فرد یا کشور قدرتمند مثل آمریکا یا صهیونیسم بین الملل و.... موجب تضعیف سازوکارهای (عملکرد) دموکراسی می شود .

● جهان غرب از طریق **رسانه فرهنگ عمومی** جوامع غیر غربی را مدیریت می کنند اما تربیت نخبگان جوامع غیر غربی به شیوه های دیگر صورت می گیرد .

● **۱- توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی :** جوامع غربی بخشی از علوم طبیعی را که در جهت **خدمات رسانی** به غرب باشد یاد می دهند ولی از تعلیم بخش های **راهبردی** آن خودداری می کنند مثلاً : در خصوص علوم هسته ای یا فیزیک یا کامپیوتر تنها بخشی از این علوم را آموزش می دهند که به تبلیغ کالاهای هسته ای یا کامپیوتری آنها در جوامع غیر غربی کمک کند اما از آموزش بخش **راهبردی** علوم و فرمول ساخت کالاها خودداری می کنند .

● ۲- تثبیت مرجعیت علمی غرب : غرب در تلاش است که علوم انسانی غربی را که مبتنی بر هستی شناختی ، انسان شناختی و معرفت شناختی غرب بعد از رنسانس است که زندگی انسان را بدون توجه به ابعاد معنوی آن بلکه به صورت سکولار و دنیوی تعریف می کند در جوامع غیر غربی ترویج و تبلیغ کند و آن را به جای علوم انسانی اسلامی و بومی قرار دهد .

● ترویج علوم انسانی غربی در جوامع غیر غربی عمیق ترین تاثیر در توزیع فرهنگ غرب در جهان داشته است زیرا این علوم موجب شده که فرهنگهای دینی هویت خود را در نگاه فرهنگ غرب ارزیابی کنند (هویت سکولار و دنیوی) و از علومی که بر بنیان های معرفتی دینی مانند : فلسفه اسلامی - علوم اجتماعی اسلامی از جمله علوم اجتماعی فارابی یا علم فقه اسلامی و.... محروم شوند .

● دولتهای مرکز برای حفظ وضع موجود در عرصه های مهم انحصار ایجاد می کنند مانند انحصار فناورانه - انحصار بازارهای مالی جهانی - انحصار منابع طبیعی - انحصار سلاح های کشتار جمعی - انحصار ارتباطی و رسانه ای .

گفتگو کنید

..... صفحه ۷۱

۱- چرا کشورهای غربی تلاش می کنند مانع دستیابی ایران به فناوری هسته ای شوند ؟

جواب : غرب از آموزش دانش راهبردی خود مثل تکنولوژی هسته ای خودداری می کند و در عرصه علم و فناوری انحصار به وجود آورده است و می خواهد خود به این فناوری دست یابد .

۲- چرا در برابر تلاش جامعه علمی ایران ، برای تدوین علوم انسانی مبتنی بر نیازهای بومی و مبانی معرفتی اسلامی مقاومت می شود ؟

جواب : علوم انسانی غربی عمیق ترین تاثیر در توزیع جهانی فرهنگ غرب ایفا می کند و با هر نوع علمی که جنبه دینی و معرفتی دارد مخالفت می کند .

با هم تکمیل کنید

..... صفحه ۷۱

مدیریت فرهنگی جوامع غیر غربی توسط جوامع غربی

شیوه	عرصه
رسانه	الف) خودباختگی فرهنگی جوامع غیر غربی
۱- توزیع هوفمند علوم طبیعی و انسانی ۲- تثبیت مرجعیت علمی غرب	ب) فرهنگ تخصصی (تربیت نخبگان)